

مقصود فراستخواه

ما ایرانیان

زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیات ایرانی



فهرست مطالب

- ۱۱ سپاس‌گزاری
- ۱۳ ۱. طرح مسئله و مفروضات
- ۱۳ بحث چیست؟
- ۱۸ پیمایش آزمایشی و اولیه (پابلوت)
- ۲۶ مذاقه‌ی بیش‌تر درباره‌ی نتایج پیمایش از طریق یک بررسی اجمالی کیفی
- ۲۹ ۲. مدخل‌ها و پیشینه‌ی بحث
- ۴۹ ۳. رویکردهای نظری اولیه
- ۵۵ ۴. مدل‌های تحلیل
- ۵۵ الگوهای اسناد درونی و بیرونی
- ۶۱ الگوی تحلیل نهادی و تلاش برای الگوی سیستمی کل‌نگر
- ۶۳ ۵. نظریات مرجع پایه
- ۶۳ یک. رهیافت نونهادگرایی و مثال‌های کاربردی آن در خلیات
- ۶۳ وابستگی به مسیر و سرمشق‌سازگاری
- ۶۷ نهادها چیستند؟ محیط نهادی چه می‌کند؟

- ۷۳ منطق اقتضا
- ۷۵ دو. نظریه‌ی بازی‌ها و مثال‌های آن در خلییات ما
- ۷۶ بازی‌های انسانی از کجا سرچشمه می‌گیرند؟
- ۸۰ بازی معمای زندانی
- ۸۲ بازی اعتماد و بازی اخلاقی
- ۸۴ بازی ترسوها؛ از زرنگی ناکارآمد تا همکاری کارآمد
- ۸۶ بازی هم‌کنشی میان‌شخصی؛ خلییات و تحلیل رفتار متقابل
- ۸۸ چگونه می‌توان منطق بازی‌های اجتماعی را ارتقا بخشید؟
- ۸۹ موانع سر راه بازی‌های برنده-برنده
- ۹۲ علت بیش‌تر بدخلقی‌ها، فقدان نقطه‌ی تعادل بهینه در بازی‌هاست
در جست‌وجوی قاعده‌ای برای بازی‌های «وفاق اختلافی»؛
- ۹۵ چرا نمی‌توانیم با مخالفان توافق کنیم؟
- ۹۸ بازی‌های زیرمجموعه و مفهوم شبکه
- ۱۰۰ سه. نظریه‌ی «مم‌ها»
- ۱۰۰ مم‌ها چیستند؟
- ۱۰۴ مم‌ها چگونه کپی و تکثیر می‌شوند
- ۱۰۹ حاملان و ناقلان مم
- ۱۱۰ راه‌های انتقال و شیوع مم‌ها
- ۱۱۲ فرآیندهای تدریجی و جهشی مم‌ها
- ۱۱۳ مم‌ها، عنصر کنش و دگرگونی
- ۱۲۳ ۶. زیست تاریخی و تأثیر آن بر خلییات اجتماعی
- ۱۲۳ یک. پرحادثه‌بودن، ناامنی، ناپایداری، آشوب و هرج‌ومرج
- ۱۳۳ دو. کشمکش نخبگان
- ۱۳۳ خصیصه‌های ساختی-کارکردی جامعه‌ی ایران و نیاز به نظریات رئالیستی
- ۱۳۸ مرور تاریخی
- ۱۴۳ تأثیر محیط پرکشاکش نخبگان بر خلییات اجتماعی

۱۴۹	۷. تاریخ معاصر و ادامه‌ی مشکلات.....
۱۴۹	خلفیات سیاسی دوره‌ی منتهی به مشروطه.....
۱۵۶	نظام شخصیت ایرانی بعد از مشروطه.....
۱۶۰	عاملیت و ساختار.....
۱۶۱	تفکر معکوس.....
۱۶۳	چرا نوسازی هم نتوانست خلفیات ما را متحول کند؟.....
۱۶۷	یکم. صورتی مدرن با سیرتی پیشامدرن.....
۱۶۸	دوم. دعوی آزادی و نه الگوی زیست آزادمنشانه.....
۱۶۹	سوم. طبقه‌ی متوسط دولت‌ساخته و آشفتگی‌های هنجاری آن.....
۱۷۰	چهارم. سیطره‌ی امر سیاسی بر دیگر امور زندگی.....
۱۷۰	پنجم. ضعف گروه‌های رسمی انجمنی.....
۱۷۱	ششم. غلبه‌ی گروه‌های غیررسمی و آثار آن بر فرهنگ و رفتار ایرانی.....
۱۷۲	نتیجه‌گیری.....
۱۷۴	سرمشق توسعه‌ی ما معیوب بود.....
۱۷۴	اقتصاد، نفت، زرنگی، فساد و باقی قضایا.....
۱۸۳	از تعارض‌های ساختی-کارکردی تا آشفتگی در نظام هنجاری جامعه.....
۱۸۶	نوبت آن رسید که خلفیات ما در کوران انقلاب ساخته شود.....
۱۸۹	چرا مسئله‌ی خلفیات اجتماعی هم‌چنان باقی ماند و بغرنج‌تر شد؟.....
۱۹۷	نتیجه‌گیری.....
۲۰۰	حاصل بحث.....
۲۲۰	پایان سخن.....
۲۲۵	۸. تأمل در شخصیت و منش ایرانی.....
۲۲۵	یک. پارادایم عقب‌ماندگی.....
۲۲۶	دو. مطالعات میدانی.....
۲۲۷	سه. خصوصیت‌های شایع در فرهنگ ایرانی.....

- ۲۳۰ چهار. توصیفات ذات‌انگارانۀ از روح قومی
- ۲۳۵ پنج. نظریه‌های توسعه
- ۲۳۶ شش. سنخ‌شناسی‌های فرهنگی
- ۲۳۶ الف) تیپولوژی هافستید
- ۲۴۲ ب) مقایسه‌ای میان فرهنگی درباره‌ی اقوام ایرانی
- ۲۴۳ پ) تیپولوژی شوارتز
- ۲۴۸ ت) مطالعه‌ی گلوب
- ۲۵۱ هفت. رهیافت موقعیت‌گرا و خُلق‌گرا
- ۲۵۶ هشت. نتیجه‌گیری
- ۲۵۶ دوتایی‌های مشکل‌ساز در خلیقات ما ایرانیان
- ۲۶۳ منابع

سپاس‌گزاری

بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان در سال ۱۳۸۶ از من دعوت کرد سلسله بحث‌هایی را درباره‌ی خلیقات ایرانی به صورت هم‌اندیشی ارائه دهم. طی سه سال (از ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸) هر ماه یک نشست و در مجموع بیست و چند جلسه در حسینیه ارشاد برگزار شد. در این نشست‌ها ابتدا حدود یک ساعت بحثی را در حضور جمعی از صاحب‌نظران و علاقه‌مندان به موضوع مطرح می‌کردم و سپس جمع حاضر به نقد و بررسی آن می‌پرداخت. نقد و نظر آن‌ها به جلسات عمق می‌بخشید. کتاب مجموعه‌ی بحث‌های اینجانب است که به‌طور ماهانه تحریر می‌شد، در اختیار جمع قرار می‌گرفت و در سایت بنیاد فرهنگی نیز منتشر می‌شد. همت آن دوستان را می‌ستایم؛ از زمره‌ی آن‌ها مرتضی کاظمیان است که مدیریت این فعالیت به ابتکار او بود؛ الگوی تحسین‌برانگیزی از یک عمل داوطلبانه‌ی اجتماعی و فرهنگی. حسین سمیعی، سمیه اشراقی و زینب ترکمان کار پیمایش را به یمن علایق زلال خویش به سرانجام رساندند. همچنین باید از صاحب‌نظرانی سپاس‌گزاری کنم که دوستانم با آن‌ها مصاحبه کردند و در این کتاب با نام و نشان به آن اشاره شده است. سرانجام از دانشگاهیانی که به پرسش‌نامه‌ی پیمایش پاسخ گفتند و حاصل دیدگاه‌های آنان در کتاب آمده است، ممنون‌ام.

مقصود فراستخواه

طرح مسئله و مفروضات

در این بحث از چه خطاهای معرفت‌شناختی پرهیز کنیم؟

بحث چیست؟

در گفت‌وگوی مردم کوچه و بازار و نیز در بسیاری از آثار شرق‌شناختی و ایران‌شناختی و حتی آثاری که خود ایرانیان نگاشته‌اند، گزاره‌هایی وجود دارد که در آن‌ها درباره‌ی روحیات و خلیقات ایرانی سخن گفته می‌شود، مثلاً می‌گویند ایرانی‌ها زیاد دروغ می‌گویند؛ کم کار می‌کنند؛ فعالیت مشترک جمعی و گروهی در بین آن‌ها ضعیف است؛ دورویی در میان‌شان رواج دارد؛ احساسات‌شان بر خردورزی چیره می‌شود؛ خودمدارند و به‌سختی می‌توانند توافق‌های پایدار انجام دهند. این‌ها نمونه‌ای از گزاره‌هایی است که در کتاب‌ها و همین‌طور بین مردم کوچه و بازار، در میهمانی‌ها، دیدوبازدیدها و... به چشم می‌آید. این گزاره‌ها مدعیاتی درباره‌ی روحیات، خلق‌وخوها و عادات ایرانی است.

فرهنگ این سرزمین به معنای جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی کلمه اساساً قابل فروکاستن به خلیقات نیست. اگر تعریف تایلور^۱ را به‌منزله‌ی کلاسیک‌ترین تعریف فرهنگ در نظر آوریم، «فرهنگ الگوهای آموخته‌ای است که خود

۱. E.B. Tylor (اثر او درباره «فرهنگ بدوی» نخست در سال ۱۸۷۱ منتشر شد).

را با تجلیات متنوع اجتماعی نشان می‌دهد؛^۱ به این معنا نمی‌شود فرهنگ را به خلق وخواها، عادات و روحيات فروکاست، این الگوهای آموخته عناصر گوناگونی را دربرمی‌گیرد و تجلیات فرهنگی مختلفی را منعکس می‌کند. الگوهای آموخته‌ای که یک فرهنگ را تشکیل می‌دهد، عناصر متنوعی دارد، برای مثال عناصر زبانی مانند خط و گویش‌ها؛ عناصر ذهنی مانند اسطوره‌ها، عقاید، باورها، آرمان‌ها، نگرش‌ها، جهان‌شناسی و دانش و معنا؛ عناصر ارزشی و هنجاری مانند اخلاقیات، حقوق، عرف و قوانین؛ عناصر احساسی و زیباشناختی مانند هنر و ادبیات؛ عناصر رفتاری شامل سبک زندگی، تولید، مصرف، گرایش‌ها، عادات و منش‌ها؛ عناصر نمادین مانند آیین‌ها، آداب، رسوم و تمثیل‌ها؛ عناصر مهارتی و فنی شامل شیوه‌های ساخت ابزار، فنون، صنایع و سبک‌های معماری؛ و درنهایت، عناصر نهادی شامل مناسبات و ساختارها (فورس برگ^۱، ۲۰۰۶).

فرهنگ ایرانی نیز از چنین الگوهای آموخته‌ای به وجود آمده و رنگین‌کمانی متنوع است و نمی‌توان آن را به خلق وخواها آن هم با روایتی یک‌سره منفی فروکاست. شواهدی از روحيات و خلیات مثبت نیز در طول تاریخ در میان گروه‌ها و قشرهای اجتماعی این دیار در دست است. فرهنگ سرزمینی مانند ایران با تنوع اقلیمی، قومی و مذهبی زیادی که در آن وجود دارد، قابل تقلیل به یک وجه محدودی از آن نیست. گذشته از این، گوناگونی‌های دیگری در فرهنگ‌ها وجود دارد. به‌طور مشخص، فرهنگ توده^۲ تفاوت‌هایی با فرهنگ نخبگان^۳ دارد. در کنار فرهنگ عمومی، خرده‌فرهنگ‌هایی^۴ وجود دارد، در برابر فرهنگ مسلط، فرهنگ‌های حاشیه‌ای هست، فرهنگ قشر متوسط و قشرهای دیگر؛ فرهنگ ملی و فرهنگ‌های قومی. این‌ها نشان می‌دهد تنوع زیادی در فرهنگ ما وجود دارد (یان‌دیس، ۱۳۷۸).

1. Forsberg, A.
2. mass culture
3. elite culture
4. sub culture

ازسوی دیگر، فرهنگ (و از جمله خلیقات و روحيات مردم) طی زمان و در شرایط مختلف در تعامل با محیط‌های متفاوت هرچند به‌کندی تطور می‌یابد. در مجموع، فرهنگ و رفتار جمعی قابل یادگیری و اکتساب است و تغییر می‌کند. بنابراین، سخن گفتن از فرهنگ ایرانی و به‌طور خاص روحيات ایرانی به‌مثابه یک مفهوم ایستا^۱ و امری ثابت توجیه منطقی و علمی ندارد.

روح ایرانی ماهیت متعین و ثابتی نیست که با ذات‌باوری^۲ و به‌سهولت بتوان از صفات و خصوصیات آن سخن گفت. پس در این کتاب می‌کوشیم به حکم منطق حداقل از دو خطای فاحش پرهیز کنیم: نخست، «تقلیل‌گرایی» این‌که نگاه جامع و کل‌گرایانه به همه‌ی وجوه و ابعاد فرهنگ ایرانی نیندازیم و از تنوع و گوناگونی آن غافل بمانیم؛ دوم، نگاه ایستا و «ذات‌باورانه» به روح ایرانی که موجب نادیده‌گرفته‌شدن منطق تحول و پیچیدگی در فرهنگ و نگرش‌ها و گرایش‌ها و رفتار جمعی ایرانیان می‌شود.

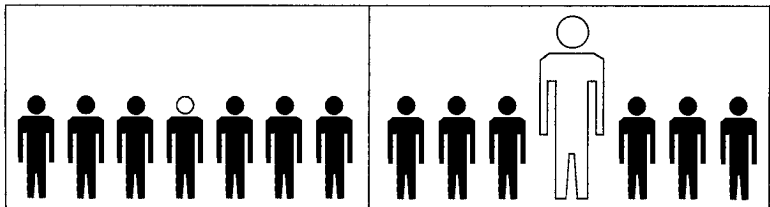
اما آیا واقعاً این ملاحظات می‌تواند صورت مسئله را پاک کند؟ شواهد حکایت از آن دارد که بخشی از خلق و خویهای ایرانی بحث‌انگیز^۳ بوده است. در گزاره‌های مردم کوچه و بازار نیز با این نوع ادعاها مواجه هستیم. شاید به‌تناوب و البته با فراوانی قابل‌توجه در مناسبت‌های مختلف مستمع لطیفه‌ها، طنزها و ضرب‌المثل‌هایی در باب «ما ایرانیان» بوده‌اید، یا این‌گونه عبارات را این‌جا و آن‌جا به‌جد یا برای مزاح نقل کرده‌اید و اگر ارتباطات ای‌میلی و مانند آن دارید، پی در پی با پیام‌ها و عکس‌هایی حاوی این نوع مطالب مواجه شده‌اید. از قبیل این مثالی که نظیرش در جعبه‌ی پیام‌های نویسنده فراوان است: «خواب دیدم قیامت شده است. هر قومی را داخل چاله‌ای عظیم انداخته و سر هر چاله نگهبانانی گرز به‌دست گمارده بودند، الا چاله‌ی ایرانیان. خود را به عبید

1. static
2. essentialistically
3. problematic

زاکانی رساندم و پرسیدم: 'این چه حکایت است که بر ما اعتماد کرده، نگهبان نگمارده‌اند؟' گفت: 'می‌دانند که به خود چنان مشغول شویم که ندانیم در چاهیم یا چاله'. خواستم بپرسم: 'اگر باشد در میان ما کسی که بداند و عزم بالارفتن کند...' که نپرسیده گفت: 'گر کسی از ما فیلش یاد هندوستان کند، خود بهتر از هر نگهبانی لنگش کشیم و به ته چاله بازگردانیم'.

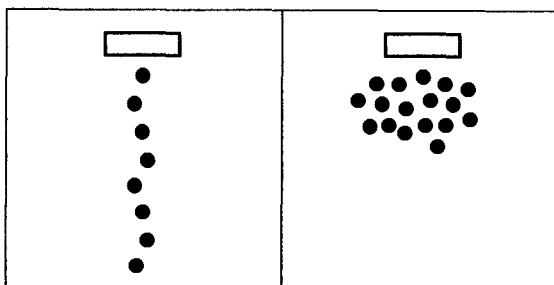
بخش‌هایی از متنی که در وبلاگ یک ایرانی ساکن کانادا آمده چنین است: «... بگذارید برایتان بگویم چه چیزهایی در ایران آزاد است که مردم خیلی کشورها حتی جرئت ندارند به آن فکر کنند... پیاده‌ها مجبور نیستند دنبال محل عبور عابر پیاده بگردند؛ آن‌ها آزادند هر جا دل‌شان خواست، از خیابان رد شوند. پدر و مادرها آزادند بچه‌های‌شان را کتک بزنند... هر کارمندی حتی به دلیل این که از چشم و ابروی ارباب رجوع خوشش نیامده، آزاد است کارش را انجام ندهد. مغازه‌دارها آزادند هر طور دل‌شان خواست جنس‌شان را ارائه کنند... پلیس‌ها آزادند جریمه‌ی راننده‌ها را به صورت نقدی و با تخفیف بگیرند. در هر مکان عمومی و یا خصوصی سر بسته، یا روباز هر چند آدم‌ها نشسته باشند، مهم نیست، هر کس بخواهد می‌تواند سیگار بکشد و دودش را به حلق بقیه بدهد...»^۱

گاه در این نوع ادعاها پافراتر گذاشته می‌شود و این بار می‌گوییم یا می‌شنویم غربی‌ها چنانند و ما شرقی‌ها چنین. باز مورد مثالی تصادفی از جعبه‌ی پیام‌های ای‌میل نویسنده را ببینید. سمت راست، شرقی‌ها را نشان می‌دهد (یکی مافوق بقیه) و سمت چپ، غربی‌ها را (با روابط افقی)

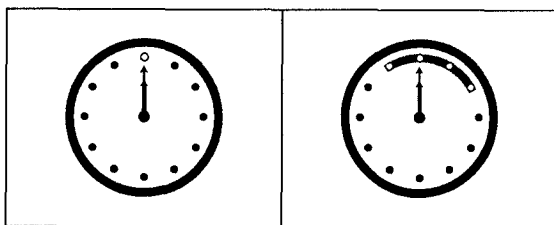


طرح مسئله و مفروضات ۱۷

در زیر نیز صف‌های انتظار در برابر یک باجه یا مانند آن مقایسه شده است.



و در این یکی هم وقت‌شناسی ما و آن‌ها هم‌سنجی شده است. با این حساب، وقتی غربی‌ها می‌گویند ساعت دوازده می‌آیند، یعنی درست سر ساعت می‌آیند. ولی وقتی جماعت شرقی می‌گویند ساعت دوازده می‌آیند، ممکن است ساعت یازده یا دو بیایند.



اما این ادعاها چه قدر صورت علمی دارد و درباره‌ی آن بررسی شده است؟ برای مثال آیا واقعاً شواهدی برای این که گفته می‌شود ایرانیان در کار جمعی ضعیف‌اند، وجود دارد؟ عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این عادت‌ها و رفتارها چه بوده است؟ این روحمیات، خلیقیات و الگوهای رفتاری چه آثار و پیامدهایی در جامعه‌ی ایران به بار آورده است؟ مثلاً اگر در کار جمعی ضعیف بوده‌ایم، نتیجه‌اش چه بوده است؟ اگر اخلاق کاری ما ضعیف است، چه نتایجی داشته؟ چه تغییراتی در زمینه‌ی ارزش‌ها و نگرش‌های ما طی زمان به وجود آمده است؟ مثلاً ممکن است گفته شود در فرهنگ ما در سه دهه‌ی بعد از انقلاب تغییراتی

اتفاق افتاده؛ چیزهایی که در فرهنگ عمومی ما چندان غالب نبوده غالب شده، یا مؤلفه‌هایی در فرهنگ عمومی ما وجود داشته و از بین رفته است. علت چیست؟ از زمانی که مرحوم اسدی طوسی در سال ۱۳۵۳ پیمایشی در این زمینه انجام داد تا پژوهش منوچهر محسنی در نیمه‌ی اول دهه هفتاد و پیمایش ملی ۲۸ استان که در سال ۸۲ منتشر شد، چه تغییراتی در ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار ایرانیان رخ داده است؟ و چرا؟ برای مواجهه‌ی مطلوب با وضعیت بحث‌برانگیز در خلیقات و روحيات ایرانی چه می‌توان کرد؟ این‌ها پرسش‌های مهمی هستند که ارزش اندیشیدن دارند.

پیمایش آزمایشی و اولیه (پایلوت)

برای بررسی بیش‌تر موضوع یک پیمایش آزمایشی و اولیه در سطح ملی انجام دادم. جامعه‌ی آماری در این پیمایش اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های سراسر کشور بود. پیمایش به شکل الکترونیکی انجام گرفت و دیدگاه‌های گروهی از نخبه‌های کشور که در دانشگاه‌ها و مراکز علمی فعال هستند، گردآوری و تحلیل شد. هرچند اعضای هیئت علمی نمی‌توانند معرف تمامی اندیشمندان و ظرفیت فکری جامعه‌ی کنونی ایران باشند، دست‌کم نمونه‌ای قابل دسترس هستند. خلاصه‌ای از نتایج پیمایش ارائه می‌شود:

پیمایش در سطح ملی بود و پرسش‌ها از طریق پست الکترونیک به اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های استان‌های کشور فرستاده شد. ۱۷/۴ درصد اعضای هیئت علمی کشور که به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند، زن و ۸۲/۶ درصد مرد بودند. میانگین سن آن‌ها ۴۳ سال بود: ۸/۴ درصد زیر ۳۰ سال، ۳۴/۵ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۳۷/۵ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۹/۶ درصد بین ۵۰ تا ۶۱ سال.

سابقه‌ی عضویت در هیئت علمی کم‌تر از ۵ سال، حدود ۱۳ درصد؛ بین ۶ تا ۱۰ سال، ۲۱/۲ درصد؛ بین ۱۱ تا ۱۵ سال، ۲۴/۶ درصد؛ بین ۱۶ تا ۲۰ سال، ۱۸/۹ درصد و بالای ۲۱ سال، ۲۲/۲ درصد بود. میانگین عضویت پاسخ‌گویان